

در دفاع از انقلاب ایران، در مبارزه علیه امپریالیزم

شماره ۱۶

کارگران سوسیالیست

قیمت ۲۰ ریال — چهارشنبه ۲۲ بهمن ۱۳۵۹

ویژه دومین سالگرد
قیام



دو سال پس از قیام

- برنامه کارگری برای مبارزه با بحران ص ۱۳
- جنگ متارومت و
- نیروهای مسلح رژیم جمهوری اسلامی ص ۹
- حامیان چماقداری کیانند؟ ص ۶
- چشم انداز مبارزات شورای کارکنان دفتر معاملات مسکن ص ۸
- کارخانه دُن باکستر.
- درسی از مجمع عمومی کارگران ص ۱۱

زندانیان سیاسی
را آزاد کنید!

درباره
شوراهای کارگری

پیشانی نهضت سوسیالیست ایران در مبارزه با امپریالیسم

زندانیان سیاسی را آزاد کنید

امروز با اوج گیری توتین مبارزات دمکراتیک در ایران ، کار خود قرار دهند .

رژیم سرمایه دار ، امروز ، بخاطر نیازهای نظامی خویش ، تیمسارهای کودتاجی را از زندان بیرون آورده است . این وظیفه زحمتکشان است که مبارزین انقلابی را از زندان آزاد سازند . در بند ماندن مبارزین انقلابی ، خیلی بیشتر از در بند ماندن کارشناسان نظامی به پیشبرد موفقیت آمیز مقاومت نظامی در مقابل تجاوز خارجی لطمه می زند . چون سرکوب مبارزات مردم ، در واقع جنگ مقاومت را از نیروی حیاتی خویش محروم می سازد .

تاکنون ، مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی ، بطور پراکنده ، و حول مسئله آزادی افراد مشخصی ، در جریان بوده است . مانند مبارزات کارگران ساکا و چند کارخانه دیگر ، برای آزادی کریمی حساری ، مبارزات کارگران گروه ملی صنایع فولاد ایران برای آزادی نمایندگان شان و مبارزاتی که برای آزادی سعادت ، صورت گرفتند . امروز ، با اوج گیری مبارزات دمکراتیک در جامعه ، وقت آن رسیده است که این مبارزات پراکنده بهم پیوند بخورند ، و شعارهای آنها ، تبدیل به شعار واحد آزادی تمام زندانیان سیاسی بگردد .

سعادت را باید آزاد کرد

اخیرا دادستانی انقلاب ، تجدید محاکمه آقای محمد رضا سعادت را توسط دادگاه انقلاب اعلام کرده است . حقایق در مورد محکومیت آقای سعادت به اندازه کافی روشن هستند . دستگیری سعادت غیرقانونی بود ، شکنجه سعادت غیرقانونی بود ، اتهاماتی که به او زده می شد بی اساس بود ، محاکمه غیرعلنی او توسط دادگاه انقلاب ، بدون حضور وکیل مدافع و هیات منصفه غیرقانونی بود . سعادت باید آزاد شود .

تجدید محاکمه محمد رضا سعادت توسط دادگاه انقلاب تکرار قانون شکنی های سابق است . سعادت باید آزاد شود کلیه قانون شکنان و دستگیر کنندگان ، شکنجه گران و حاکم شرع دادگاه سعادت و کلیه مسئولین محاکمه غیرقانونی سعادت باید محاکمه شوند .

شعار آزادی زندانیان سیاسی ، بار دیگر اهمیتی اساسی بخود می گیرد . و تبدیل به یکی از مسائل محوری مبارزه می شود . چرا که آزاد کردن زندانیان سیاسی ، آزاد کردن کسانی که بخاطر مبارزه در راه حقوق زحمتکشان زندانی و شکنجه شده اند ، نه تنها يك وظیفه انسانی است ، بلکه اهمیت سیاسی بسیار زیادی دارد . آزادی زندانیان سیاسی یعنی مشت محکمی بر پوزه تمام حامیان خفقان سیاسی در جامعه ، و همه سرکوب گران مبارزات سیاسی زحمتکشان .

امروز ، پس از دو سال که از شکسته شدن دره های سیاه جال های رژیم پهلوی می گذرد ، بار دیگر آشکارا می بینیم که بساط سرکوب و خفقان ، زندان ، تخته شلاق و شکنجه پهن شده است . و روز به روز گسترده تر می شود .

دولت جمهوری اسلامی ، که دولت سرمایه داران و زمین داران ایران است ، برای حفظ نظام سرمایه داری ناچار به سرکوب مبارزات زحمتکشان و برای سرکوب مبارزات زحمتکشان ناچار به معدوم کردن مبارزترین عناصر و رهبران مبارزات آن بر علیه ظلم و استثمار است . بهمین دلیل است که بساط زندان و شکنجه و سرکوب را دوباره پهن کرده ، چماق داران مزدور را به استخدام خود در آورده ، و به انحاء گوناگون ، چه تحت پوشش قانون ، و چه بطور غیرقانونی ، جنایات رژیم شاه در برابر مبارزین را دوباره زنده می کند . امروزه ، به اعتراف خود دولت هزاران زندانی سیاسی ، از رهبران مبارزات کارگران در کارخانه گرفته ، تا مجاهد ، فدائی و سوسیالیست ، در زندانها محبوسند . و تحت شکنجه قرار می گیرند . برای پیشبرد مبارزات زحمتکشان بر علیه ظلم و استثمار قبل از هر چیز این بساط شکنج باید برچیده شود . دره های زندانها باید بار دیگر شکسته شود ، و مبارزین در زندان آزاد گردند .

امروز تحت فشار افکار عمومی و مبارزات زحمتکشان رژیم خود ناچار به اعتراف به وجود زندانی سیاسی و شکنجه شده است . رژیم خود ، بناچار تظاهر به مخالفت با این وحشیگری و موافقت با آزاد کردن زندانیان سیاسی می کند . ولی از حرف تا عمل فاصله خیلی زیاد است . این فاصله را تنها مبارزات آگاهانه زحمتکشان می تواند پر کند . زحمتکشان ، باید امروز همه يك صدا فریاد بزنند : زندانیان سیاسی را آزاد کنید . شوراها و زحمتکشان باید این امر را رد ستور

چرا مجلس ...

ضرورت پایان بخشیدن به تبعیض ، ستم و استثمار را اعلام خواهد کرد . مجلس موسسان دمکراتیک و انقلابی مجلسی خواهد بود که به هر آنچه ارتجاعی ، ضد مردمی و ضد کارگری است اعلام جنگ خواهد داد و قدرت دولتی را به شوراها و متحد نمایندگان کارگران و دیگر زحمتکشان ، به حکومت کارگران و دهقانان تفویض خواهد نمود .

مجلس موسسان دمکراتیک ، همی ، مجلس موسسانی خواهد بود که هیچ نیروی را مافوق خود و مافوق اراده مردم تحویل نخواهد کرد . مجلس موسسانی خواهد بود که ضرورت استقرار حاکمیت زحمتکشان ، یعنی حکومت کارگران و دهقانان ضرورت پایان بخشیدن به ستم طبقات دارا و نظام طبقاتی

دو سال پس از قیام

دو سال از قیام بهمن ماه می‌گذرد. قیامی که در آن توده زحمتکش ارتش محمد رضا شاهی را درهم شکستند و دولت محمد رضا شاهی را سرنگون کردند. با این هدف که بساط ظلم و استثمار را براندازند و ایرانی آزاد، مستقل رها از استثمار و نابرابری بنا کنند.

امروز، دو سال پس از قیام بهمن ماه بنظر می‌رسد که انقلاب ایران درست یک دایره کامل را پیموده است و انقلاب دوباره با همان مسائلی رو در روست. و با همان مسائلی می باید مبارزه کند که دو سال پیش در چنین روزی مطرح بودند و زحمتکشان برای از میان بردن آنها قیام کردند: استبداد استثمار و استثمار!

ولی تاریخ خود را تکرار نمی‌کند و این دو سال بهبود نگذشته اند. امروز خشن تر و مهمتر از آن، عربان تراست.

کارنامه دو ساله انقلاب مسیر این دایره کامل را به نشان می‌دهد.

این کارنامه دو ساله را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد: آشکار شدن ماهیت طبقاتی، وورشکستگی سیاسی رهبری روحانیت و دولت جمهوری اسلامی. و این امر است که توده‌ها را، بار دیگر به میدان مبارزاتی نوین و دوران ساز کشانیده است. مبارزه برای انقلابی، این بار واقعا عظیم تر از انقلاب اولی. ولی این امر چگونه صورت گرفته است؟ کارنامه دولت جمهوری اسلامی و روحانیت حاکم در این مدت چیست؟

در زمینه سرکوب آزادی، و حقوق دمکراتیک زحمتکشان، باید گفت دولت جمهوری اسلامی واقعا سنگ تمام گذاشته است. جنایات این رژیم در کردستان با جنایات رژیم بعث عراق در خوزستان قابل مقایسه هستند. در سرکوب جنبش کارگری، دهقانی و دانشجویی، مبارزات آزاد بیخس زنان، و جنبش کارگران بیکار نیز رژیم حاکم از هیچ چیز فروگذار نکرده و آنچه را که در توان داشته انجام داده است. سیاست‌هایی که این رژیم، در جهت محروم کردن اقشار گوناگون مردم ایران از ابتدائی ترین حقوق و آزادی‌هایشان اتخاذ کرده است برآستی در تاریخ معاصر بی‌سابقه اند. و این امری طبیعی است چون نجات سرمایه داری بحران زده و در حال متلاشی شدن نیاز به سرکوب بیرحمانه دارد. از دولت سرمایه داری در چنین شرایطی انتظار دیگری نمی‌رود.

ولی علیرغم تمام سیاست‌های وحشیانه، دولت جمهوری اسلامی موفق به سرکوب قاطعانه مبارزات زحمتکشان و مستقر کردن نظام بهره‌کشی سرمایه داری در ایران نگشته است. سرمایه داری ایران که با قیام زحمتکشان در آستانه متلاشی شدن قرار گرفت، امروز در بحرانی عمیق و بی‌سابقه بسر می‌برد. بحرانی که زندگی اقتصادی جامعه را فلج کرده و تا زمانی که سرمایه داری در ایران باقی‌ماند، ادامه خواهد داشت. در شرایطی انقلابی چرخاندن چرخ اقتصاد بر اساس روابط سرمایه

داری و بهره‌کشی ممکن نیست. نتیجه کوشش‌های رژیم جمهوری اسلامی در حفظ سرمایه داری و جلوگیری از متلاشی شدن آن، جز افزایش روزافزون فقر و فلاکت چیزی نبوده است. کشاورزی ملکت در حال از هم پاشیدن و در آستانه نابودی کامل است. تولید اکثر محصولات کشاورزی در طول این دو سال به کمتر از نصف و در برخی موارد حتی به یک دهم رسیده است. وضع تولیدات صنعتی نیز چندان بهتر از تولید کشاورزی نیست. مصیبت‌های اجتماعی بحران اقتصادی، مانند بیکاری، تورم، ناپایی، قحطی و غیره امروز چنان بر زندگانی زحمتکشان مانع انگال انداخته اند که مانند آنرا مشکل بتوان بخاطر آورد.

بعثت همین بحران اقتصادی، در عرض این دو سال، وابستگی اقتصادی ایران به امپریالیزم نه تنها کاهش نیافته که زیاد تر شده است. رژیم جمهوری اسلامی نیز در این مدت کوچکترین قدمی در جهت استقلال کشور از امپریالیزم برنداشته است. در عصر استقلال از امپریالیزم، یعنی بریدن از بازار جهانی سرمایه داری، یعنی سرنگون کردن روابط سرمایه داری، دولت سرمایه داری قادر به این کار نیست. به همین دلیل نیز دولت جمهوری اسلامی در مقابل حملات بی‌پای امپریالیزم به انقلاب ایران، مانند محاصره اقتصادی، حمله نظامی و غیره، نه تنها هیچ عکس العمل قاطعی در جهت کوتاه کردن دست امپریالیزم و مبارزه قاطع از خود نشان نداد، بلکه بعد از نوش جان کردن همه ضریات عاجزانه سازش کرد. ولی سازش دولت چیزی از حملات امپریالیزم نخواهد گاست. چون هدف امپریالیزم بزانو در آوردن انقلاب ایران و جنبش انقلابی زحمتکشان ایران است. نه بزانو در آوردن دولت جمهوری اسلامی. حملات امپریالیزم به انقلاب ایران روز بروز بیشتر خواهد شد. و تا وقتی که روابط حاکم بر ایران روابط سرمایه داری، و قدرت حاکم در ایران قدرت سرمایه داری است، مبارزه قاطع با حملات امپریالیزم ممکن نخواهد بود. سرمایه داری فرست ایران نه یارای مقابله با امپریالیزم را دارد، نه مایل به آنست. چون فقط در سایه امپریالیزم است که می‌تواند رشد و نمو کند.

ولی در مقابل این بحران روزافزون دولت جمهوری اسلامی و تمام احزاب و سیاستمداران سرمایه داری بجای ارائه راه حل روشنی به مردم و جامعه، جز سردرگمی، بی‌برنامه‌گی، و بی‌عملی چیزی از خود بروز ندادند. وعده وعیدهای آنها روز بروز بیشتر توخالی و مضحك از آب در می‌آید. تحت فشار بحران، و مبارزات توده‌های، دوایر بالای حکومتی و قشر حاکم را جنجال پشت جنجال و رسوایی پشت رسوایی فرار گرفته است. هر روز خبر نویسی، از اختلاس‌ها، فسادها، جنایات، شکنجه‌ها، وابستگی‌ها و غیره و غیره فاش می‌شود. آری اینها هستند پاسخ سیاستمداران سرمایه دار دولت جمهوری اسلامی به بحران کنونی و مشکلات زحمتکشان ایران.

ولی امروز، دو سال پس از قیام بهمن ماه، حرکتی نوین

بقی در صفحه ۱۰

حامیان چماقداری کیانند؟

مسئله چماقداری - چماق کشی، یکی از مسائلی است که رفته رفته، بار دیگر در مرکز توجه قرار می‌گیرد. بعد از حملات اخیر اوپاش چماقدار، به کتابفروشی‌ها، آتش زدن چند کتاب فروشی، حمله به مراکز چندین روزنامه و نشریه، حملات مکرر به خوابگاه‌های دانشگاه، حمله اخیر چماقداران به کانون تبلیغات اسلامی مشهد و مخصوصاً دو حمله اخیر چماقداران، با اسلحه گرم و سرد به تظاهرات ۱۳ دی و ۱۷ بهمن که توسط برخی از نیروهای چپ برگزار شد، موج وسیعی از اعتراض تودم‌های پر علیه چماق داری بوجود آمده است. فشار بقدری زیاد شده که حتی فراکسیون "لیبرال‌ها" در مجلس نیز این مطلب را در مجلس مطرح کرده و رسماً خواستار استیضاح وزیر کشور در رابطه با مسامحه دولت در امر تعقیب و مجازات چماق داران گشته است.

علت اینکه مسأله چماق داری دارد بار دیگر اهمیت پیدا می‌کند کاملاً روشن است. دوره کنونی دوره برخاست و اوچگیری محدود مبارزات ضد استبدادی زحمتکشان و مبارزین، برعلیه خفقان و ظلم است. این برخاست بودن مبارزات طبیعتاً هیأت حاکم را سخت به وحشت انداخته است. اینست که که در دوران اخیر شاهد حملات مکرر و وحشیانه مزدوران هیأت حاکم و سرمایه داران، به مراکز احزاب و روزنامه‌ها، به کتابفروشی‌ها، تظاهرات و بطور کلی به هر جا که به مبارزات توده مردم ارتباطی داشت بودیم، حملاتی که در واقع خیابان مبارزان مسجرت گرفت و حملات اخیر در ۱۷ بهمن ابعادی واقعاً عجیب و وحشتناک بخود گرفت.

اعتراض‌هایی که تاکنون از جانب محافل گوناگون در مورد چماق داری به دولت شده اکثرامینی بر این بود ماند که چرا دولت چماق داران و عاملین چماق داری را دستگیر و تعقیب نمی‌کند. نگاهی کوتاه به واقعیت جامعه ما نشان می‌دهد که از دولت کنونی (و این البته در مورد هر دولت سرمایه‌داری دیگر نیز صادق است) چنین چشم داشتی نمی‌شود داشت. حزب حاکم بر دولت فعلی جمهوری اسلامی خود حامی چماق داری است.

مثلاً یک نمونه از چماق داری، که اخیراً به حمایت پاسداران در دبیرستان خوارزمی شماره ۲ صورت گرفت را در نظر بگیریم. عده معدودی دختر نقابدار، با حمایت پاسداران در مدرسه را بسته و از ورود دانش آموزان به مدرسه جلوگیری کردند و با این کارشان عملاً مدرسه را به تعطیل کشاندند و خود نیز روی دیوارهای مدرسه رفته از آن بالا اعلام کردند دبیرستان خوارزمی مرکز فساد و توطئه شده است، و چند دیگر اب سرد نیز بر سر دانش آموزان که جلوی مدرسه اجتماع کرده بودند ریختند.

چند روز بعد روزنامه جمهوری اسلامی، بیانیه عاملین این حادثه را، که خود نوعی چماق داری است، تحت عنوان "خط امام"، با آب و تاب در صفحه اول بجای می‌رساند.

روزنامه صبح آزادگان، که آنهم وابسته به جناحی از همان حزب حاکم است همین کار را در رابطه با شکنجه مجاهدین در خانه‌های امن انجام می‌دهد.

آری، حزب حاکم بر ارگان‌های دولتی، حامی سرسخت چماق داری است. چگونه از این دولت می‌توان انتظار تعقیب عاملین چماق داری را داشت؟!

مبارزه با چماق داری فقط وقتی صورت خواهد گرفت که زحمتکشان، خود برای مبارزه با آن بسیج شوند و ندانند ببینند. باید زحمتکشان ما بی‌بهرند که چماق داری امری است که سرمایه داری در حال بحران و احتضار نمی‌تواند بدون آن زندگی کند. (حتی در زمان ثبات و شکوفائی نیز سرمایه داری نمی‌تواند به داشتن پلیس رسی و ارتش اکتفا کند و گردانهای مسلح جاقوکش و اعتصاب شکن، خصوصی را اجبر می‌کند، چه برسد به شرایط بحران). و این زحمتکشان هستند که می‌توانند و باید جلوی آنها بگیرند نه دولت نماینده سرمایه داری.

و اگر سرمایه داری موفق شود، بکمک چماق داران به تمام مبارزات زحمتکشان شیخون بزند، آنوقت وای بر طبقه کارگر، وای بر زحمتکشان.

در شرایط کنونی تبلیغ و سازماندهی دائمی برای ایجاد گارد‌های محافظ دفاعی در پیشبرد تمام مبارزات ضرورت دارد. این سیاستی است که زحمتکشان مبارز باید آگاهانه در پیش بگیرند. تدارک ببینند، و جلو ببرند. این تنها راه مبارزه با چماق داری است. و وقتی اکثریت زحمتکشان به ضرورت این امر پی بردند، دیگر از چماق داری نه نامی باقی خواهد ماند و نه نشانی.

بعد از تخریب

روزنامه میزان، روز شنبه ۱۸ بهمن ماه بقول خود ش خبر درگیری‌های روز جمعه ۱۷ بهمن در میدان آزادی را بحاجت رسانده است. در شرایطی که حتی روزنامه جمهوری اسلامی اعلام کرده است، درگیری‌های روز جمعه ۱۷ کشته و تعدادی محروح بجای گذاشت. روزنامه میزان اعلام کرده در زد و خورد های جمعه یک نفر زخمی و عده‌ای بازداشت شدند. متن گزارش میزان، از تیتراژ جالب سر است:

"دیروز حدود ۱۵۰ نفر از هواداران سازمان چریک‌های فدائی خلق، از میدان آزادی به طرف بزرگ راه محمدعلی جناح، بحرکتند آمدند (!) در همین رابطه جمع کثیری از اقشار مردم در سراسر خیابان آزادی و خیابان‌های اطراف آن و میدان آزادی در حالیکه عکس‌هایی از امام است و دیگر مقامات مملکت در دست داشتند اجتماع کردند

پیش بسوی مجلس موسسان دموکراتیک و انقلابی!

عملیات ضد مردمی سپاه پاسداران و ارتش را ، و نخراب کاری های سرمایه داران را ، چنان کابینه ای قدرت اجرائی جنین سازی را نخواهد داشت ، واضح است ، کدام قدرت اجرائی ؟ سپاه پاسداران که معلوم است به که وفادار است ! سران ارتش هم که باز تکلیف شان روشن است ! و اگر امروز به آقای رئیس جمهور اقتدا می کنند به این خاطر است که منافع مقطعی و لحظاتی خود را در آن می بینند ، و گرنه دراصل اینها همان کودتاگران هستند ، سازمان مجاهدین هم ، که نیروی تودمائی و اجرائی دارد ، در داخل حکومت ائتلافی ، یا در پشتیبانی دادن به حکومت دیگری که منتخب رئیس جمهور و غیره باشد ، دست و پایش بسته خواهد شد .

راه حل زحمتکشان چیز دیگری است .

زحمتکشان حکومتی می خواهند که قدرت اجرائی آن نه دست ارتش ، سپاه پاسداران ، و وزارتخانه های پوسیده دولتی ، باقیمانده از دوران شاهنشاهی باشد ، بلکه شوراهای مردمی و واقعی خود زحمتکشان باشد .

نه منتخب رئیس جمهور یا امام ، بلکه مستقیماً منتخب خود آنان باشد .

نه مسوول به ولی ققیه ، بلکه مستقیماً مسوول به شوراهای زحمتکشان و سازمان های مبارزاتی زحمتکشان باشد .

یک چنین حکومت انقلابی ، تنها یک شکل دارد ، مجلس

موسسان انقلابی ، منتخب زحمتکشان و متکی بر شوراهای زحمتکشان ، مجلسی که با یک انتخابات واقعی

دمکراتیک تشکیل می شود ، قانون اساسی ارتجاعی و ضد مردمی موجود ، و تمام قوانین ارتجاعی مجلس شورای اسلامی را لغو

می کند ، و یک قانون گذاری انقلابی را ، براساس منافع توده زحمتکش ، براساس صادره سرمایه ها و کارخانه ها و زمین های

سرمایه داران و فئودال ها ، و استقرار کنترل کارگران و دهقانان بر تولید ، و استقرار حاکمیت زحمتکشان در جامعه آغاز

می کند ، برای خروج از بحران نه تنها کابینه رجائی ، بلکه مجلس شورای اسلامی نیز باید منحل شود ، باید مجلس نوینی ،

براساس انتخابات کاملاً آزاد و دمکراتیک انتخاب شود ، لازم است تمام قدرت در جامعه در دست مجلس موسسان دمکراتیک و

انقلابی ، مجلسی که واقعا بیانگر اراده مردم زحمتکش باشد ، و نه اراده مشتق سرمایه دار و زمیندار (مانند مجلس کنونی)

متمرکز شود .

برای موفقیت این برنامه لازم است زحمتکشان شوراهای واقعی و مردمی خود را تشکیل دهند ، این شوراهای هر چه

بیشتر در سطح سراسری بهم پیوند بخورند و شوراهای کارگری ، دهقانی و سربازی ، بر انتخابات آزاد و دمکراتیک

مجلس موسسان مستقیماً نظارت داشته باشند ، حتی خود انتخابات آنها برگزار کنند ، و خود نهاد های اجرائی مصوبات انقلابی آن

باشند ، زحمتکشان به دولت سرمایه داری موجود ، و نهاد های

بقیه در صفحه ۱۴

کشور ما در یکی از عمیق ترین بحران های سیاسی بعد از انقلاب فرو رفته است ، دولت رجائی کاملاً از اعتبار عمومی ساقط شده است ، و در میان جناح های هیات حاکمه شکاف روز بروز عمیق تر و تفاهم روز به روز کمتر می شود ، دولت آقای رجائی که از همان آغاز کار کفایت و لیاقت رو در رو شدن با بحران های جامعه را نداشت ، امروز ، مخصوصاً بعد از سازش آشکارشان با امپریالیزم آمریکا بر سرگروگان ها ، اعتبار خود را در میان توده ها کاملاً از دست داده ، و بهمین دلیل از همیشه عاجز تر و ناتوان تر است ، و این در زمانی که زحمتکشان ما در جنگ رویاروی با امپریالیزم و بحران عمیق اقتصادی قرار دارند ، این اوضاع دیگر تحمل پذیر نیست ، در چنین شرایطی ما احتیاج به دولتی نیرومند ، و مدافع منافع زحمتکشان داریم ، دولتی که بتواند تمام سدهای پیشرفت انقلاب را درهم بشکند ، این امری است که کمتر کسی میتواند با آن مخالف باشد ، ولی مسئله ای که مطرح است اینست که راه حل زحمتکشان برای این بحران سیاسی چیست ؟

یکی از راه حل هایی که تاکنون توسط چند سازمان و نیروی سیاسی (منجمله رئیس جمهور بنی صدر ، جبهه ملی و سازمان مجاهدین خلق ایران) ارائه شده است عبارتست از استعفای کابینه رجائی و تشکیل یک کابینه دیگر ، توسط رئیس جمهور ، یا توسط " تمام نیروهای ملی و ضد امپریالیست " ، کابینه ای که در آن نیروهائی مانند ، دفتر هماهنگی مردم با رئیس جمهور ، جبهه ملی ، مجاهدین خلق و غیره همه نمایندگی داشته باشند .

ولی این راه حلی برای خروج از بحران نیست ، ما

این را هزاران بار گفته ایم ، هیچ دولت از بالا تعیین شده ای به ایران آزادی نخواهد آورد ! تنها دولتی که ساخته

زحمتکشان ، مستقیماً مسوول به زحمتکشان و متکی بر زحمتکشان باشد قادر خواهد بود ما را از بحران کنونی خارج کند ، تنها

چنین دولتی بیانگر اراده زحمتکشان خواهد بود و شعار داده سرمایه داران و امپریالیستها ، امروز ، پس از دو سال که از قیام

بهمن ماه می گذرد ، می توان گفت انقلاب یک دور کامل زده است ، زحمتکشان ، پس از دو سال باردیگر با این مسئله روبرو شده اند ،

که دولت خودشان را ، برای روبرو شدن با بحران بوجود بیاورند .

کابینه ای که از بالا توسط رئیس جمهور ، یا ائتلافی از نیروها تعیین شود ، چه مسئله ای را می تواند حل کند ؟ کابینه ای

که اکثریت ، یا لا اقل نیمی از اعضا آن نمایندگان احزاب و سازمانهای سرمایه داری باشند ، نخواهد توانست از سرمایه داری

و منافع سرمایه داران ببرد ، ولی پایبند بودن به منافع سرمایه داران همان عاملی است که دقیقاً مملکت را به این وضع بحرانی

کشانده است .

کابینه ای که از بالا تعیین شود نه خواهد توانست جلوی فعالیت های پاندهای سپاه و جماعتداران را بگیرد ، نه

چرا مجلس موسسان؟

برشد ماند و تظاهرات اعتراضی و اعتصابات کارگری وحشیانه سرکوب شده اند.

دو سال پس از پیروزی قیام بهمن ماه استبداد حاکم جامعه را به بحران عمیق سیاسی دچار کرده است. ناتوانی رژیم سرمایه داری در حل تکالیف انقلاب و پاسخگویی به نیازها و ضرورت های زحمتکشان با چماق داری، قلد رمنشی، سرکوب و استبداد جبران شده است. اما دقیقاً دو سال نمایش عجز و ناتوانی رژیم سرمایه داری حاکم، به رسوائی و بی اعتباری زمینی که زمانی مورد حمایت اکثریت عظیم جامعه بود، منجر شده است.

همراه با رسوائی و بی اعتباری هرچه بیشتر رژیم جمهوری اسلامی، مبارزات آزاد یخواهانه، تودمهای زحمتکش و ستم پدیده جامعه هرچه بیشتر گسترش می یابد. ناتوانی رژیم جمهوری اسلامی در سازماندهی موثر مقاومت در برابر تهاجم نظامی امپریالیستی دولت عراق به انقلاب ایران، به عامل گسترش و تشدید مبارزات آزاد یخواهانه، کارگران، زحمتکشان و ستم پدگان ایران تبدیل شده است.

ناتوانی رژیم سرمایه داری حاکم در حل بحران عمیق سرمایه داری ورشکسته ایران، تودمهای زحمتکش و ستم پدیده جامعه را به صحنه مبارزه علیه نظام پوسیدهای که آنها را به فقر و فلاکت روزافزونی محکوم کرده است، کشانیده است. کارگران زحمتکشان و ستم پدگان جامعه در راه گسترش مبارزات خود علیه نظامی که آنها را به فقر و فلاکت روز افزون محکوم کرده است، با استبداد حاکم روبرو می شوند و به صحنه مبارزات آزادی خواهانه و ضد استبدادی قدم می گذارند.

گسترش مبارزات آزاد یخواهانه، زحمتکشان، حتی در میان صفوف متحد سیاستمداران و سردمداران رژیم سرمایه داری حاکم شکافی عمیق بوجود آورده است و آنها را به دو جناح به اصطلاح "لیبرال" و "مکتبی" تقسیم کرده است.

"مکتبیون" آنچنان از خواستهای آزاد یخواهانه و عمق جنبش آزاد یخواهانه، زحمتکشان به هراس افتاده اند که دیوانه وار به آتش جنگ داخلی دامن می زنند. سیاست های تحریک آمیز سردمداران استبداد، سیاست تحمیل جنگ داخلی به زحمت کشان ایران است.

"لیبرالها" که از این حقیقت آگاهند که دیگر به شیوه های سرکوبگرانه و قلد رمنشانه، "مکتبیون" نمی توان منافع سرمایه داری را حفظ کرد ماسک آزاد یخواهی به چهره زد ماند تا به طریقی دیگر روابط پوسیده، سرمایه داری را از ضربات جنبش زحمتکشان مصون نگاه دارند. آنها ماسک آزاد یخواهی بر چهره زد ماند تا بر جنبش آزاد یخواهانه، زحمتکشان سوار شوند و آن را در خدمت منافع خود قرار دهند. آنها نه تنها هیچ برنامه ای برای پایان بخشیدن به استبداد و خفقان کنونی ندارند، بلکه با سرار شدن بر جنبش آزاد یخواهانه، زحمتکشان می خواهند

رهبری بلا منازع جنبش ضد استبدادی و ضد سلطنتی، که به سرنگونی رژیم سلطنت در قیام ۲۲ بهمن ماه ۵۷ منجر شد، رهبری آیت الله خمینی، از مدت ها پیش از پیروزی قیام بهمن ماه، به مردم وعده تشکیل مجلس موسسان را می داد. اما این وعده هرگز در عمل به واقعیت تبدیل نشد. بجای مجلس موسسان دموکراتیک، مجلس خبرگان غیر دموکراتیک قانون اساسی جمهوری اسلامی را تصویب کرد.

رهبری آیت الله خمینی، در زمانی که از پشتیبانی اکثریت عظیم جامعه برخوردار بود، از تشکیل مجلس موسسان سر باز زد. در زمانی که اگر انتخابات دموکراتیک مجلس موسسان برگزار می شد، اکثریت نمایندگان چنین مجلسی را طرفداران رژیم جمهوری اسلامی تشکیل می دادند. رژیم آیت الله خمینی (دولت موقت و شورای انقلاب برگزیده، آیت الله) بجای برگزاری انتخابات دموکراتیک مجلس موسسان، فراندوم جمهوری اسلامی را برگزار کرد.

البته ادعای سردمداران رژیم جمهوری اسلامی در مورد شرکت ۴۹۸ رای دهندگان در فراندوم جمهوری اسلامی، بیش از اندازه اثراق آمیز است. در شرایطی که در اولین "بهار آزادی" شهر سنجندج بمباران می شد، خلق کرد یکپارچه فراندوم جمهوری اسلامی را تحریم کرد. ولی پشتیبانی و اعتماد اکثریت جامعه به رهبری سردمداران جمهوری اسلامی، در زمان برگزاری فراندوم، انکار ناپذیر است.

روحانیت حاکم از مجلس موسسانی که نمایندگان منتخب مردم در آن، مشکلات و مسائل واقعی زحمتکشان و ستم پدگان جامعه را مطرح کنند و برنامه ای مختلف را برای حل مسائل اجتماعی به بحث و تبادل نظر بگذارند، در زمانی که از پشتیبانی و حمایت اکثریت جامعه برخوردار بود، وحشت داشت. به همین دلیل نیز چنین مجلس موسسانی را که وعده اش را داده بود فرا نخواند و تشکیل نداد. و در اولین "بهار آزادی" دموکراسی و آزادی "غربی" اعلام شد!

روحانیت حاکم بجای مجلس موسسان، مجلس خبرگان را تشکیل داد. خبرگان برگزیده بجای نمایندگان منتخب مردم در مجلس خبرگان بجای طرح مسائل و مشکلات واقعی و "زمینی" زحمتکشان و ستم پدگان جامعه، به طرح مسائل و مشکلات "آسمانی" پرداختند و به توطئه چینی علیه دستاوردهای جنبش ضد استبدادی و قیام بهمن ماه مشغول شدند.

اولین "بهار آزادی" خیلی سریع جای خود را به استبدادی خشن و وحشی داد. به جای استقرار حاکمیت مردم، حاکمیت روحانیت و ولایت فقیه مستقر شد و آزاد بهای اجتماعی یکی پس از دیگری پایمال شدند. دو سال پس از پیروزی قیام پیروزمند ۲۲ بهمن ماه ۵۷، بساط شکنجه، سرکوب، استبداد، خفقان و تفتیش عقاید دوباره گسترده شده است. آزادی بیان، عقیده، تجمع، تشکل، مطبوعات، احزاب همگی پایمال شده است. زندانها دوباره از زندانیان سیاسی



آنها به سازش و نهایتاً شکست بکشاند تا بروی رانهای جنبش آزاد پخواهانان زحمتکشان دوباره دستگاه استبداد و چپاول سرمایه داری را بناکنند .

در مقابل این دو جناح توده زحمتکش باید برنامه خود را برای حل بحران ، بسود زحمتکشان ارائه دهد . در مقابل برنامه این دو جناح ، که هر دو چیزی جز استقرار حاکمیت سرمایه بر جامعه نیست (یکی در پوشش اسلامی و دیگری با ماسک دمکراسی) برنامه زحمتکشان استقرار حاکمیت مردم میباشد . استقرار حاکمیت مردم در جامعه یعنی تمرکز قدرت در مجلسی ، که واقعا منتخب و نماینده زحمتکشان بوده و بیانگر اراده آنان باشد . مجلسی که اقشار گوناگون زحمتکشان آزادانه نمایندگان خود را به آن بفرستند ، و مسائل کلیه اقشار زحمتکشان در آن به بحث و بررسی گذاشته شود ، و سیاست هائی انقلابی در جهت متمرکز کردن مبارزات زحمتکشان در دفاع از منافعشان ، و درهم شکستن نظام ظلم و استثمار اتخاذ گردد . تنها از طریق یک بحث دمکراتیک ، مابین نمایندگان واقعی اقشار گوناگون زحمتکشان است که سیاست های داخلی و خارجی در جهت منافع واقعی زحمتکشان می تواند اتخاذ گردد .

در شرایط کنونی ، تنها حکومتی قدرت کافی برای رویرو شدن با تمام جوانب بحران وسیع مملکت را خواهد داشت که بر پشتیبانی فعالانه تمام اقشار و طبقات زحمتکش استوار شده باشد . و تنها نهادی که می تواند چنین حکومتی را بوجود بیاورد ، مجلس موسسان خواهد بود . چون آن تنها نهادی است که واقعا نماینده زحمتکشان و بیانگر اراده آنان است . تنها نهادی است که سیاست های آن نه تنها در مقابل مبارزات زحمتکشان قرار نخواهد گرفت ، بلکه همراستا با حرکت و مبارزات زحمتکشان خواهد بود . و حتی از آن هم بیشتر به آن مبارزات راستای واحد خواهد داد .

بحران سرمایه داری ایران ، توده های کارگر ، زحمتکش و ستمدیده جامعه را به صحنه مبارزه علیه سرمایه داری و درهم شکستن کلیه موانع در راه گسترش مبارزاتشان یعنی در هم شکستن استبداد حاکم کشانیده است . آنها در حالی بصحنه مبارزه قدم می گذارند که نیروهای آنها پراکنده است و هنوز به برنامه خود مسلح نیستند . در این مبارزه طبقه کارگر ، تنها طبقه ای که با برنامه انقلابی خود می تواند مبارزات زحمتکشان و ستمدیدگان جامعه را به پیروزی رهبری کند ، با وظیفه متحد کردن نیروهای پراکنده جنبش آزاد پخواهانان زحمتکشان رویرو است .

طبقه کارگر برای آنکه بتواند مبارزات توده های وسیع زحمتکشان و ستمدیدگان جامعه را برای پایان بخشیدن به بحران نظام سرمایه داری رهبری کند ، پیش از هر چیز باید مبارزات پراکنده توده های زحمتکش و ستمدیده را بهم پیوندد دهد . طبقه کارگر با مبارزه برای تشکیل یک مجلس موسسان دمکراتیک و انقلابی ، مبارزات پراکنده زحمتکشان و ستمدیدگان را با یک خواست مشترک و همگانی بهم پیوندد خواهد داد و آنها را متحد خواهد کرد .

روحانیت حاکم ، و تمام سیاستمداران سرمایه داری ، حتی زمانیکه از پشتیبانی توده های وسیع مردم برخوردار بودند ، با وجود آنکه وعده تشکیل مجلس موسسان را به زحمتکشان داده بودند ، از تشکیل مجلس موسسان سر باز زدند . آنها از طرح مسائل واقعی زحمتکشان از تربیون مجلس موسسان وحشت داشتند . آنها می دانستند آنجا که مسائل و مشکلات واقعی و زمینی توده های زحمتکش ، مشکلاتی مانند بیکاری ، فقر ، بی سوادی ، ستم و تبعیض مطرح می شود ، آنجا که ضرورت پایان بخشیدن به سلطه امپریالیزم در روابط پوسیده ، سرمایه داری و عقب افتادگی ناشی از آنها مطرح می شود ، آنجا که ضرورت ارائه برنامه انقلابی برای پاسخگویی به کلیه مسائل اجتماعی مطرح میشود ، دیگر عوامفریبی های مختلف آنان جهت حفظ روابط پوسیده ، سرمایه داری خریداری نخواهد داشت . دیگر نمی شود بر مسائل آسمانی از حل مشکلات زمینی مردم و ارائه برنامه برای پایان بخشیدن به فقر و فلاکت عمومی طفره رفت . آنها به این دلیل از تشکیل مجلس موسسان سر باز زدند و به جای آن مجلس خبرگان را تشکیل دادند .

هم اکنون نیز سیاستمداران باصطلاح " لیبرال " سرمایه داری که ماسک دروغین آزاد پخواهی بر چهره زد ماند ، از تشکیل مجلس موسسان دمکراتیک و انقلابی واهمه دارند .

در مجلس موسسانی که نمایندگان واقعی منتخب زحمتکشان برنامه های مختلف را برای حل کلیه مسائل جامعه به بحث و تبادل نظر می گذارند ، ماهیت واقعی کلیه برنامه های سرمایه داری و عوامفریبی های مدافعین نظام طبقاتی افشا و رسوا خواهد شد .

طبقه کارگر ، تنها طبقه ای که با برنامه سوسیالیستی خود توانائی پایان بخشیدن به بحران نظام سرمایه داری را دارد ، باید در طرح ضرورت تشکیل مجلس موسسان دمکراتیک و انقلابی پیشقدم شود . طبقه کارگر باید با مبارزه برای تشکیل مجلس موسسان دمکراتیک و انقلابی ، که خواست اکثریت عظیم توده های زحمتکش و ستمدیده جامعه است ، صفوف پراکنده متحدین خود را در مبارزه برای پایان بخشیدن به بحران کنونی متحد کند .

مجلس موسسان دمکراتیک و انقلابی به نمایندگان منتخب زحمتکشان امکان آنها خواهد داد تا کلیه مشکلات و مسائل جامعه را مطرح کنند و برنامه های مختلف را برای حل این مسائل به بحث و تبادل نظر بگذارند .

چنین مجلسی به ضرورت پایان بخشیدن به بحران اقتصادی جامعه ، از طریق برچیدن نظام استثمار سرمایه داری و استقرار نظام اقتصاد با برنامه بی خواهد برد . چنین مجلسی بر ضرورت حل انقلابی کلیه مشکلات تولید کشاورزی (از جمله مسئله زمین) توسط شوراهای نمایندگان منتخب دهقانان بی خواهد برد . چنین مجلسی بر ضرورت برنامه ریزی اقتصاد در جهت پایان بخشیدن به فقر ، عقب افتادگی ، بی سوادی ، ستم ، تبعیض ، استثمار و سلطه امپریالیزم ، نه در جهت منافع سرمایه داری بی خواهد برد .

بقیه در صفحه ۲

چشم انداز مبارزات شوراهای کارکنان دفتر معاملات مسکن

کرده بودند بر سرشان (مثل واقعه گچ سفید) ، سرمایه - داران احساس کردند که گویا می شود فشار را رفته رفته بیشتر کرد . فشار برای منحل کردن دفتر معاملات مسکن بالا گرفت . و طبیعی است که خیلی زود هم نتیجه بخشید . اکنون شورای کارکنان دفتر معاملات مسکن با مسئله ارائه برنامه های عملی و واقعی برای حل مسئله مسکن روبروست . ارائه چنین برنامه ای از طرف آنها به مردم ، و پشتیبانی زحمتکشان آنها را قادر خواهد ساخت مبارزه خود برای جلوگیری از تعطیل دفتر ، و تبدیل آن به یک نهاد مبارزاتی واقعی را موثرتر کنند . بنظر ما خطوط کلی چنین برنامه های بقرار زیر هستند .

۱- مصادره تمام واحدها و مجتمع های مسکونی بزرگ توسط دولت و اجاره دادن آپارتمان های آنها ، به قیمت های مناسب به زحمتکشان و تهیدستان ، تحت کنترل شوراهای خود آنها .

۲- ممنوع کردن بساز و بفروش ، متمرکز کردن تمام امکانات ساختمانی (چه از لحاظ نیروی کار انسانی و چه از نظر امکانات تولید مصالح) و ملی کردن آنها . بکار انداختن تمام امکانات ساختمانی مملکت در جهت ساختن خانه های دولتی مناسب برای زحمتکشان ، و واگذاری آنها به زحمتکشان با اجاره بهای نازل و مناسب .

۳- کاهش دادن ، تشبیت و یکسان کردن نرخ اجاره بها ، و البته نکته اساسی که باید در این مورد در نظر داشت اینست که تمام این اقدامات ، تا وقتی که مشکلات عمیق اجتماعی ناشی از متلاشی شدن تدریجی روستاهای کشور و مهاجرت توده های از روستا به شهر ادامه دارد سخت ناکافی خواهند بود . ولی حل آن مسائل نیاز به یک برنامه ریزی های و انقلابی ، اصلاحات ارضی و بازسازی کشاورزی مملکت تحت کنترل شوراهای دهقانی دارد .

اخیرا کارکنان دفتر معاملات مسکن ، که کار آن در اثر فشار بساز و بفروش ها و نمایندگان آنها در مجلس عملاً متوقف گردیده و قرار است بزودی تعطیل شود ، در یک مجمع سراسری شورای کارکنان دفتر را تشکیل داده اند . هدف آنها از تشکیل شورا جلوگیری از بیکار شدن کارمندان ، و مبارزه برای اجرای طرح هایی در جهت کمک به رفع مشکل مسکن است . جلوگیری از تعطیل دفتر معاملات مسکن ، و مبارزه برای تبدیل آن به واحدی برای ارائه و اجرای طرح های واقعی در جهت حل مشکل مسکن از برنامه های این شورا است .

تشکیل دفتر معاملات مسکن و بنیاد مسکن از طرف دولت جمهوری اسلامی در واقع وسیله ای بود برای جلوگیری از مبارزات توفنده تهیدستان شهری ایران در جهت مصادره خانه های خالی و اسکان دادن تهیدستان بی مسکن در آنها . مبارزهای که از همان روز اول بعد از قیام در میان تهیدستان شهری آغاز شد .

اقداماتی که این دفتر تاکنون انجام داده عبارتند از توقف کامل معاملات آزاد ساختمانی ، (بطوریکه خرید و فروش خانه باید تنها از طریق دفتر انجام می گرفت) ، آغاز به مصادره برخی خانه های خالی متعلق به سرمایه داران فراری لغو فانون نگهداری ساختمان های خالی بوسیله مالکین ، تعدیل اجاره بها ، و بالاخره بخش تعداد زیادی پرسشنامه مسکن و دادن وعده وعید های توخالی درباره واگذاری مسکن دخواست به هر فرد ایرانی .

برنامه ها و اقدامات دفتر معاملات مسکن اگرچه هیچ یک برنامه اساسی در جهت حل مسئله مسکن نبودند ، و اجرای آنها نیز سخت نیم بند بود ، در هر حال مسوی دماغ سرمایه داران و بساز و بفروش ها شده بود . اخیرا ، بعد از اقدامات موفقیت آمیز سپاه پاسداران در خراب کردن خانه ها و شهرک هایی که زحمتکشان بعد از قیام با دست خود بنا

کارگران مبارز .

با توجه به بحران جامعه و ناتوانی هیات حاکم در رفع آن ، مخارج چاپ و پخش نشریات همچون سایر مایحتاج زندگی بشکل سرسام آوری بالا رفته است . ما برای اینکه بتوانیم نشریه کارگران سوسیالیست را بطور مرتب بدست شما کارگران مبارز و زحمتکش برسانیم احتیاج به کمک های مالی شما داریم .

نشریه کارگران سوسیالیست ، نشریه ای است در خدمت پیشبرد مبارزات کارگران و زحمتکشان ، نشریه ای است که برای کارگران مبارز و به کمک آنان نوشته می شود . اگر خواهان چاپ و پخش مرتب آن هستید کمک های مالی خود را از طریق فروشندگان نشریه بدست ما برسانید .

**برای چاپ و پخش
کارگران سوسیالیست
به کمکهای مالی شما
نیازمندیم .**

جنگ مقاومت

و نیروهای مسلح رژیم جمهوری اسلامی

نزدیک به ۵ ماه از آغاز تهاجم نظامی امپریالیستی دولت عراق به انقلاب ایران می‌گذرد. در طی این مدت نیروهای مسلح رژیم جمهوری اسلامی (ارتش، سپاه پاسداران و بسیج مستضعفین) ناتوانی خود را در به عقب راندن فوری تهاجم نظامی امپریالیستی در عمل نشان دادند. طولانی شدن جنگ تاکنون ضربات سنگینی را به انقلاب ایران وارد کرده است. میلیون ها نفر از مردم زحمتکش جنوب، در شهرهای سراسر ایران پراکنده و آواره شده‌اند. طولانی شدن جنگ نیروهای انقلاب ایران را فرسوده کرده است. و زمینه های سازش با امپریالیزم و تحمیل راه حل های امپریالیستی به توده های کارگر، زحمتکش و ستمدیده جامعه را، توسط نمایندگان سیاسی طبقات دارا بوجود آورده است. راه مقابله با تهاجم نظامی امپریالیستی دولت عراق از همان ابتدا روشن بود. بسیج متحد و مسلحانه، کلیه کارگران، زحمتکشان و ستمدیدگان ایران علیه تهاجم نظامی، آموزش نظامی زحمتکشان و ستمدیدگان و تشکیل هسته های مسلح مقاومت کارگری تحت کنترل شوراهای نمایندگان منتخب کارگران، هنوز هم این تنها راه به عقب راندن تهاجم نظامی امپریالیستی است. اما سردمداران و رهبران رژیم جمهوری اسلامی نه تنها کوچکترین قدمی در راه بسیج مسلحانه و متحد کلیه زحمتکشان و ستمدیدگان ایران برنداشتند، بلکه در راه چنین بسیجی ست و مانع ایجاد کردند. آنها در حالی که شهرهای جنوب یکی پس از دیگری در برابر ارتش عراق سقوط می‌کرد به تخریب سنگرهای مقاومت مردمی مشغول بودند. آنها در سنگرهای مقاومت به تفتیش عقاید در میان مبارزین جنبش مقاومت تودم‌های علیه تهاجم نظامی مشغول بودند و پس از آن نیز به خلع سلاح جنبش مقاومت زحمتکشان جنوب سرگرم شدند. سردمداران و سیاستمداران رژیم جمهوری اسلامی، در حالی که به اتحاد هرچه گسترده تر کارگران، زحمتکشان و ستمدیدگان ایران برای مقابله با تهاجم نظامی نیاز بود به تفرقه افکنی در صفوف زحمتکشان و ستمدیدگان ایران مشغول بودند. آنها به جای پایان بخشیدن به جنگ تحمیلی به خلق کرد و پایان دادن به اشغال نظامی کردستان تهاجمات خود را بر جنبش ملی خلق کرد افزایش دادند. تیمسار فلاحی، جانشین رئیس ستاد مشترک ارتش، در یک مصاحبه مطبوعاتی به سیاست های جنایتکارانه و تفرقه افکنانه سردمداران رژیم جمهوری اسلامی اعتراف می‌کند: "زمانی که ارتش بعث عراق تهاجم همه جانبه ای را در سراسر نوار مرزی جنوب غربی و غرب کشور علیه ایران آغاز کرد، ارتش در کردستان در راه مقاومت و دفاع از تجهیزات نظامی"

و پرسنلی ارتشی هم از مرزهای بین دو کشور فاصله داشتند و بهر حال مدت زمانی لازم بود تا این نیروها را تدارک کنیم و ارتش هم که نمی‌توانست بلافاصله کردستان را رها کند و بیاورد، اینست که اینجا هم مدتی وقت صرف شد و اگر ما نتوانستیم از همان ابتدا ارتش عراق را در مرزها متوقف کنیم، به همین علت بود و پس از اینکه خلا، نیروهایمان را در کردستان بر کردیم، بلافاصله به مقابله برخاستیم. اعتراف از این واضح تر و روشن تر ممکن نیست. چون سردمداران رژیم حاکم و فرماندهان ارتش نمی‌خواستند از سرکوب جنبش ملی خلق کرد و مبارزان روستائیان بی سلاح کردستان دست بکشند، در برابر تهاجم نظامی امپریالیستی دولت عراق نیز کوچکترین مقاومتی را سازمان ندادند، تا دولت عراق نیز همان بلایی را که رژیم جمهوری اسلامی بر سر زحمتکشان کرد می‌آورد بر سر زحمتکشان جنوب ایران بیاورد. مسوولیت تخریب شهرهای جنوب ایران و آوارگی میلیون ها نفر از مردم زحمتکش جنوب با کسانی است که چنین سیاستهای جنایتکارانه ای را علیه جنبش ملی خلق کرد و انقلاب ایران اتخاذ می‌کنند. اعترافات جانشین فرمانده ستاد مشترک ارتش تنها گوشه ای از ماجرا را بازگو می‌کند. نمونه های فراوان خیانتهای فرماندهان ارتشی هنوز آنطور که باید و شاید افشا نشده است. خیانت هایی که شکست های سختی را به ارتش ایران تحمیل کرده است و تعداد بسیاری از سربازان بخاطر خیانت های فرماندهان ارتشی جان خود را از دست دادند. نابودی دو تیپ از لشکر ۱۶ قزوین تنها یک نمونه از این خیانت ها است. مقاومت قهرمانانه مردم خرمشهر در مقابل حملات ارتش عراق، امکانات عظیمی را که بسیج متحد و مسلحانه، کلیه کارگران، زحمتکشان و ستمدیدگان ایران می‌تواند جهت مقاومت در برابر تهاجمات امپریالیستی ایجاد نماید در عمل نشان داد. اما پس از کسب اولین پیروزی ها توسط مردم خرمشهر، مسئولان سپاه پاسداران با خلع سلاح مردم خرمشهر مقاومت زحمتکشان را تخریب کردند و راه را برای سقوط خرمشهر هموار نمودند. قطعنامه، سمینار سه روزه، مسئولان سپاه پاسداران نقش واقعی سپاه پاسداران را در تخریب مقاومت زحمتکشان در برابر تهاجم نظامی امپریالیستی دولت عراق نشان می‌دهد. در این قطعنامه مسئولان سپاه پاسداران خواستار خلع سلاح گروه های مسلح به اصطلاح "غیر قانونی" شده‌اند که مسلحانه در برابر تهاجم نظامی دولت عراق مقاومت مردمی را سازمان می‌دهند. قبه در صفحه ۱۰

دو سال

و با سازماندهی پیگیر مبارزه بدور آن راه را به کلیه ستمدیدگان ایران نشان دهد.

قیام شکوهمند زحمتکشان ایران به مسیر فلاکت با حفظ سرمایه داری بحران زده افتاد. چون توده زحمتکش، بعلمت توهم در رهبری روحانیت و نداشتن برنامه مستقل سیاسی، زمام امور را بدست روحانیت مدافع سرمایه داری سپردند. زمام امور را خود بدست نگرفتند و براساس برنامه خویش، در جهت ساختن دولت و جامعه‌ای نوین مبارزه نکردند.

آن اشتباه دیگر نباید تکرار شود. زحمتکشان باید به برنامه انقلابی طبقه کارگر مسلح شوند و خود مستقلاً برای اجرای آن برنامه مبارزه کنند. زحمتکشان باید سازمان‌ها، رزمنده‌ها، سراسری خود را بوجود آورند. با ایجاد شوراهای سراسری وحدت آهنگین خود را در برنامه و عمل تحقق بخشند. وجود شوراهای سراسری، مردمی و واقعی زحمتکشان تنها ضامن اجرای برنامه انقلابی طبقه کارگر در جهت سرنگونی نظام سرمایه داری و استقرار حاکمیت زحمتکشان در جامعه است.

در انقلاب محسوس است. روز به روز تعداد بیشتری از زحمتکشان به این مطلب پی می‌برند که انقلاب در مسیر صحیحی سیر نمی‌کند. و باید تغییری اساسی در مسیر انقلاب بوجود آورند. زحمتکشان روز به روز بیشتر به این مطلب پی می‌برند که اینکار تنها بدست خود آنها و با مبارزات خود آنها ممکن می‌شود. در مقابل بسی لیاقتی و چشم انداز فلاکت بار سرمایه داران و حکومت آنها انتظار توده ستمدیده اینک پسوی قدرت کارگران و زحمتکشان دوخته می‌شود. بسیاری از توده‌های محروم اینک یسارادگی دو راه در مقابل خود می‌بینند. سرمایه داری را حفظ کنیم و همه از آن رنج بکشیم و به حالت خفگی دچار شویم یا سرمایه داری را منهدم کنیم و آزاد شویم.

امروز طبقه کارگر با این مسئله حیاتی روبروست، که در مقابل بحران روز بروز عمیق تر شونده برنامه خود را ارائه دهد.

زنده باد حکومت کارگران و دهقانان

جنگ مقاومت...

به عقب راندن تهاجم نظامی امپریالیستی است. کارگران و زحمتکشان ایران باید امر دفاع از انقلاب را خودشان سازمان دهند.

شوراهای سربازان باید فرماندهان ارتشی را کنترل کنند و تادیر برابر خیانت های فرماندهان و یا حداقل بی عملی آنان بتوان امر مقاومت را سازمان داد.

شوراهای کارگری باید کنگره سراسری شوراهارا جهت سازماندهی امر دفاع از انقلاب فرا بخوانند. هسته های مسلح کارگری باید تحت کنترل شوراهای کارگران و با جلب همکاری شوراهای سربازان ایجاد شود.

باید کمیسیون تحقیقی جدا از دستگاه های دولت سرمایه داری و متشکل از نمایندگان کارگران و سربازان جهت بررسی خیانت های فرماندهان و خرابکاری ساء پاسداران در امر مقاومت تشکیل شود. چنین کمییونی باید واجعهای را که منجر به نابودی کامل دو تیپ از لشکر ۱۶ قزوین شده است بررسی کند.

پس از ادغام بسیج مستضعفین در سپاه پاسداران دیگر از بسیج مستضعفین بعنوان یکی از نیروهای مسلح رژیم جمهوری اسلامی مستقر از سپاه پاسداران نمی توان سخن گفت. در واقع ادغام بسیج مستضعفین در سپاه تنها پوش بودن ادعاهای سردمداران رژیم جمهوری اسلامی را در مورد تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی نشان داد. سردمداران رژیم جمهوری اسلامی در زمانی که به بسیج متحد و مسلحانسه کلیه کارگران، زحمتکشان و ستمدیدگان جامعه جهت دفاع از انقلاب نیاز هست، دیگر نمی توانستند به شعارهای "انقلابی" برای ادامه عوامفریبی های خود تکیه کنند.

رژیم جمهوری اسلامی و نیروهای مسلح آن نه می خواهند و نه می توانند دفاع از انقلاب ایران را در برابر تهاجم نظامی امپریالیستی سازمان دهند. ولی پیروزی انقلاب ایران در گرو

خروج فوری و بدون قید و شرط نیروهای نظامی و پاسداران از کردستان

کارخانه دن باکستر: در سهایی از مجمع عمومی کارگران

برای رفتن به خانه دچار مشکل شدند و به این ترتیب به ایسن نتیجه رسیدند که از این پس باید جلسات مجمع عمومی در وقت مناسبی که خود کارگران تعیین می‌کنند مثلاً بعد از نهار تشکیل شود و البته ساعات تشکیل جلسه باید جز ساعت کار بحساب آید. ایجاد مشکل و اختلال در تشکیل جلسه مجمع عمومی کارگران نوعی کارشکنی برای مانعیت از وحدت و مبارزات بحق کارگران است و باید آگاهانه و پشتد با این قبیل اقدامات به مبارزه برخاست. مثلاً در این مورد تنها تعیین يك ساعت وقت برای جلسه مجمع عمومی عملی مغرضانه بود. البته جلسه ۵/۲ ساعت بطول انجامید ولی این مدتهم برای طرح همه مسائل کارگران و بحث پیرامون آنها کافی نبود و باید که از این به بعد زمان کافی و مناسب برای این جلسات در نظر گرفته شود. در این مجمع چند نفر از کارگران صحبت کردند و خواسته‌ها و نظریات خود را بیان نمودند. رسولی رئیس کارخانه نیز بدت نیمساعت صحبت کرد و سعی نمود که با به بیراهه کشاندن مطالب و سلب مسئولیت از خود با اصطلاح سنگ جلوی پای کارگران بیاندازد. در حالی که کارگران مبارز این کارخانه آگاهتر و با تجربه تر از آن هستند که گول این قبیل شعبده بازی‌ها را بخورند و دست از مبارزه و خواست های بحق خود بردارند. در این جلسه خواسته های زیر از طرف کارگران مطرح شد:

- ۱- برسمیت شناختن شورای کارگری از طرف مدیریت کارخانه و دولت.
- ۲- استخدام و اخراج کارگران باید زیر نظر شورا قرار گیرد.
- ۳- نظارت بر خرید و فروش کارخانه از طرف شورا.
- ۴- بررسی حقوق کلیه کارکنان کارخانه به نظر شورا برسد.
- ۵- انتقال دادن دفتر مرکزی به کارخانه.
- ۶- هر ۱۵ روز یکبار مجمع عمومی کارگران برگزار گردد و تعیین تاریخ تشکیل مجمع بعدی.
- ۷- سرویس های اتوبوس باید پنج دقیقه به ساعت ۲ صبح در محل کارخانه باشند نه يك ربع به ۲.
- ۸- ایجاد مهد کودک در کارخانه همچنانکه در قانون کار آمده است.
- ۹- پرداخت سود ویژه در تاریخ اول اسفند ماه امسال.
- ۱۰- نمایندگان شورا باید حق داشته باشند که هر وقت که خودشان تشخیص می‌دهند به شورای کارخانه تریانگل بروند و نباید چیزی از حقوق آنان به این دلیل کسر شود.
- ۱۱- ساعت کار باید از ۲ صبح تا ۴ بعد از ظهر و ۵ روز کار در هفته باشد یعنی طبق روال سابق باقی بماند. کارگران باید بر روی خواست تشکیل مرتب مجمع عمومی پافشاری کنند زیرا تشکیل این قبیل جلسات مسائل مختلفی را روشن خواهد نمود. قدرت کارگران متحد را نشان خواهد داد.

در کارخانه دن باکستر هم مانند اکثر کارخانجات و مراکز تولیدی پس از انقلاب تشکیل شورا بعنوان تشکیلاتی که مدافع حقوق کارگران باشد یکی از خواسته های کارگران بود. کارگران این کارخانه می‌خواستند تشکیلاتی داشته باشند که از حقوق آنان در برابر کارفرمایان دفاع کند. زیرا به تجربه آموخته بودند که تنها اتحاد و مبارزه متشکل و متحد و یکپارچه است که می‌تواند آنها را به خواسته‌ها و حقوق خود برساند و الا کارفرمایان با آنها بطور تك تك و منفرد هرچه که بخواهند می‌کنند و در صورت اعتراض هم کارگر را اخراج می‌نمایند و از کسی هم صدایی برنخواهد خواست. پس واضح است که هدف کارگران از تشکیل شورا و پشتیبانی آنها از این تشکیلات بعنوان يك تشکیلات اصیل کارگری، رهبری کردن يك مبارزه متحد و متشکل کارگران برای کسب حقوق خود از کارفرمایان و دولت آنها بوده و هست. و باز هم واضح است که شوراهای قلابی و ساختگی یا نمایندگان تحیلی و سازشکار نمی‌تواند مورد قبول و پشتیبانی کارگران باشند. کارگران با تمام قوا و نیروی خود پشتیبان و حامی شورا هستند ولی تنها در صورتی که نمایندگان واقعی و فعال کارگران در این شوراها بدون وقفه برای دفاع از حقوق همه کارگران کار کنند و مرتباً گزارش فعالیت های خود و نتایج این تلاشها را با اطلاع کارگران برسانند.

دومین مجمع عمومی کارگران سرم سازی دن باکستر بعد از ماه ها که از انتخابات شورا می‌گذرد، در ساعت ۴ بعد از ظهر روز پنجشنبه ۱ بهمن ماه تشکیل شد. لازم به توضیح است که پس از اولین جلسه مجمع عمومی دو کارگر اخراج شدند که یکی از آنان نماینده شورا بود. شورای کارخانه در این مدت نتوانسته است رضایت کارگران را فراهم نماید و تاکنون نه تنها خیری از آن نصیب کارگران نشده است بلکه حتی گزارش کار (اگر کاری انجام شده باشد) و جلسات هفتگی خود را نیز به اطلاع کارگران نرسانده است. در حالی که شورا باید هر هفته گزارش رسمی کار و تصمیمات خود را از طریق نصب دیوارها و محل تجمع کارگران مانند نهار خوری با اطلاع کارگران برساند. بی‌خاصیتی شورا یکی از دلایلی بود که کارگران مبارز این کارخانه مصراة خواستار تشکیل مجمع عمومی کارگران برای بحث پیرامون مشکلات و مسائل خود شدند. البته بگذریم از اینکه مدت ها بطول انجامید تا کارگران نتوانستند علیرغم مخالفت ها و کارشکنی های مختلف و متعدد این جلسه را تشکیل دهند و این جلسه با وجود مشکلات گوناگون تشکیل شد. اولاً ساعت تشکیل این جلسه چندان مناسب نبود و چگون در آخر وقت بود و سرویس ها حرکت می‌کردند بازگشت کارگران شرکت کننده در مجمع عمومی بعهد خودشان بود و این مسئله باعث شد که همه کارگران نتوانند در این جلسه شرکت کنند و آنهایی هم که بخاطر علاقه و اعتقاد به مبارزه در دفاع از حقوق خود و سایر کارگران در این جلسه شرکت نمودند

مناطق ضروری و لازم است. برقراری ارتباط بین کارگران رشته - های صنعتی در کارخانجات مختلف و مناطق مختلف از ضروریات این اتحاد عمل مشترک است. مورد مشابه دیگر این نوع استدلال مسئله سود ویژه بود که کارگران خواستار آن بودند و رسولی می گفت که این خواست مخالف قانون است و بنابراین تصمیم دولت باید جمعاً و ماه عیدی و پاداش پرداخت شود. در اینجا هم باز لزوم مقابله با قوانین ضد کارگری و دولت مجری این قوانین بعنوان یکی از ضروریات مبارزات کارگری ظاهر می شود.

نوع دیگر طفره رفتن آقای رسولی به این ترتیب بود که سعی می نمود بخشی از مسئولیت خود را حتی برخلاف بیان قانونی که قبلاً بیان استناد می کرد به گردن کارگران بیاورد و با اصطلاح با انداختن سنگ بر سر راه تامین خواست های آنها کارگران را از این خواست ها منصرف نماید. مثلاً در مورد تقاضای کارگران برای خرید آمبولانس می گفت آمبولانس در بازار پیدا نمی شود وگرنه حاضر است پول آنها ببرد از حالا بعهده شورا است که آمبولانس پیدا کند! و یا در خصوص مهد کودک می گفت شورا برود زمین آنها پیدا کند او با ساختن مهد کودک موافق است. معلوم نیست ایشان که در مورد ساعتکار و سود ویژه آنقدر رعایت قانون را لازم می دانستند چطور در اینجا از چنین استدلال غیر قانونی استفاده می کنند؟ کجای قانون کار آمده است که کارگری یا شورا باید زمین مهد کودک یا نهناز خوری و یا هر تاسیسات دیگر کارخانه و یا آمبولانس را پیدا کند؟ اینها همه از وظایف کارفرما و دولت است نه تشکیلات کارگری.

لازم به تذکر است که در این کارخانه بیش از نیمی از کارگران را زنان تشکیل میدهند و از این جهت ایجاد مهد کودک که تاکنون هم وجود نداشته است بسیار ضروری است و کارگران مبارز این کارخانه بدرستی درک کرده اند که اهم از زن و مرد باید متحداً و با پیگیری تمام برای این خواست مبارزه کنند زیرا نگهداری از کودکان طبقه کارگر در شرایط مناسب و تامین سلامت و رفاه این کودکان خواست و وظیفه همه کارگران اهم از زن و مرد است. شرکت نمایندگان زن در شورا که بتوانند مسائل و مشکلات خاص زنان را مطرح نمایند و بکمک سایر کارگران در رفع آنها بکوشند در تمام مراکز که تعدادی از زنان در آنجا مشغول بکار هستند بسیار لازم و ضروری است و کارخانه دن باکتر گام های موثری را در این راه برداشته است و شرکت نمایندگان زن در شوراها امری است که از طرف کارگران زن و مرد پذیرفته شده است گرچه بطور کلی شوراها عملکرد خوبی در این مورد نداشته اند ولی در تشکیلات واقعی کارگری و مبارزات آینده کارگران این همکاری بین زنان و مردان کارگر می تواند بسیار مفید و سازنده باشد.

داد و اعتماد بنفس کارگران را افزایش می دهد. بعلاوه کارگران در این مجامع هرچه بیشتر به ماهیت ضد کارگری مدیونیت و دولت مدافع سرمایه داری پی می برند. از ناتوانی و چه بسا سازشکاری یا خیانت برخی از نمایندگان باخبر می شوند و بفکر رفع کمبود های مبارزاتی خود برمی آیند. چنانکه در این جلسه صحبت های رئیس کارخانه قسمتی از حقه بازی - های از دفاع، او از قوانین ضد کارگری را هرچه بیشتر روشن نمود و بعلاوه کارگران متوجه شدند که یکی از نمایندگان شورای آنها بیشتر نماینده کارفرمایان است تا نماینده کارگران و مرتباً سعی می کند کارگران را بنحوی وادار کند که از حقوق و خواست های خود به نفع کارفرمایان صرف نظر کنند. کارگران مبارز بخوبی می دانند که وجود این قبیل نمایندگان در شورا مانند سدی در راه مبارزات آنان است که از شدت و عمق مبارزات می کاهد و آنها را به شکست و انحراف می کشاند. در انتخابات آینده شورا کارگران این کارخانه با تجربه بیشتر و غنی تر نمایندگان واقعی خود را انتخاب خواهند نمود و تشکیل جلسات مجمع عمومی به آنها این فرصت را می دهد که نمایندگان واقعی خود یعنی کارگران صدیق و آگاه و مبارز را شناخته و با اعتماد بیشتر به نیروی متحد و متشکل خود این نمایندگان را انتخاب نمایند و با تمام نیرو از آنها حمایت کنند.

در این جلسه مجمع عمومی رسولی رئیس کارخانه در جواب برخی از خواسته های بحق کارگران جواب های طفره آمیز و انحرافی را مطرح نمود که برخی از آنها قابل توجه و بررسی بیشتر است. مثلاً در مورد ۴۰ ساعت کار در هفته که خواست کارگران بوده و امروز نیز عملی می شود گفت که این تصمیم دولت و قانون است که ساعات کار کارگری باید ۴۴ ساعت در هفته باشد و نه ۴۰ ساعت و اینک او نمی تواند تغییری در ساعات کار بدهد و بالاخره او مامور است و معذور! کارگران مبارز این کارخانه اولاً می دانند که ۴۰ ساعت کار در هفته در صنعت نفت اعمال می شد و هم اکنون کارگران لهستان نیز قهرمانان برای آن می جنگند. از این گذشته مسئله قانون و تصمیم دولت ملاک نیست بلکه در واقع این حق مسلم کارگران است که چنین تقاضایی را مطرح نمایند. ثانیاً اینکه این اظهارات آقای رسولی بار دیگر به آنها ثابت نمود که مبارزه اصلی آنها بسا دولت و تشکیلات قانون گذاری و اجرایی است و آنها باید در عین حال که برای ۴۰ ساعت کار در هفته برای خود می جنگند در این مبارزه همپای همه کارگران باشند و از مقامات مسئول بخواهند که قانون کار را نه تنها برای آنها بلکه برای همه کارگران بنحوی که منافع کارگر را هرچه بیشتر تامین نماید تغییر بدهند. برای رسیدن به هدف مبارزه متحد و متشکل و یکپارچه کارگران کارخانجات و صنایع کشور در همه

پیش بسوی اتحاد شوراهای کارگری

برنامه کارگری برای مبارزه با بحران

ساعات کار و تقسیم کار موجود میان کلیه داوطلبین کار بدون کاهش سطح دستمزدها ضروری است.

۴ - باز کردن دفاتر حساب و کتاب سرمایه داران در برابر محاسبات های حقانی کارگران و زحمتکشان، سختگویان و سیاستمداران سرمایه داری از اوضاع بد اقتصادی و ناکافی بودن درآمد سرمایه داران شکایت خواهند کرد. کارگران باید در برابر ادعاهای سرمایه داران خواهش باز کردن دفاتر حساب و کتاب شرکت های سرمایه داری و آگاهی از سودهای سرسام آور سرمایه داران شوند.

اسرار معاملاتی بخشی از توظیفه های سرمایه داران علیه منافع جامعه است. مالکان خصوصی وسائل تولید، کلاهبرداری های خود را توسط اسرار معاملاتی از جامعه مخفی نگاه می دارند. هیچ دلیلی ندارد که سود های سرسام آور سرمایه داران و اسرار اقتصاد ملی از چشم کارگران پوشیده بماند.

طبقه کارگر هیچ علاقه ای - نگاهداری دفاتر حساب و کتاب سرمایه داران و ورشکسته ندارد. باز کردن دفاتر حساب و کتاب سرمایه داران باید طرازنامه ورشکستگی نظام پوسیده سرمایه داری اعلام گردد.

۵ - استقرار کنترل کارگری بر تولید: در برابر خرابکاری های سرمایه داران در تولید، در برابر سیاستهای جنایتکارانه سرمایه داران که با خارج کردن سرمایه ها از تولید صنایع را به ورشکستگی می کشانند و توده های وسیع کارگران را بیکار می کنند، کارگران باید کنترل خود را بر تولید مستقر سازند. کنترل کارگری بر تولید و توزیع برای ادامه تولید در برابر خرابکاری های سرمایه داران و جلوگیری از احتکار مواد اولیه و غیره ضروری است.

۶ - باز نمودن کارگاه های بسته شده: کارگران برای مقابله با بیکاری باید خواستار بکار افتادن دوباره کلیه صنایع تعطیل شده و ملی نمودن آنها بدون پرداخت غرامت به صاحبان این صنایع شود. سرمایه داران با تعطیل کردن کارخانه ها، صنایع، تهاجم خود را به سطح زندگی طبقه کارگر از طریق افزایش بیکاری سازمان می دهند. با بکار انداختن دوباره این صنایع و صادره این صنایع باید علیه این سیاست جنایتکارانه مبارزه را سازمان داد.

۷ - تعیین حداقل دستمزدها ۲۵۰۰۰ ریال در ماه کارگران باید بتوانند از حداقل زندگی مناسب برخوردار باشند. باید حداقل دستمزدها به اندازه ای تدوین شود که حداقل زندگی مناسب را برای خانواده کارگر تامین نماید. این حداقل با میزان کنونی قیمت های مایحتاج اولیه و اجاره خانه نمی تواند از ۲۵۰۰۰ ریال در ماه کمتر باشد.

۸ - تدوین طرح مشترک طبقه بندی مشاغل توسط کنگره سراسری شوراهای ضروری است.

حفظ نظام سرمایه داری و نجات آن از بحران کنونی تنها با تهاجم گسترده به سطح زندگی طبقه کارگر و سازمان های طبقه کارگر ممکن است. طبقه کارگر جهت دفاع از سطح زندگی خود در برابر تهاجمات سرمایه داری باید نیروهای خود را جهت مقابله با این تهاجمات سازمان دهد. طبقه کارگر برای سازماندهی مبارزه به برنامه منبذاتی خود، برنامه ای که قادر به متحد کردن صفوف پراکنده جنبش کارگر به دور خواست های مشترک است نیاز دارد.

۹ - کنگره سراسری نمایندگان شوراهای کارگری جهت تدوین برنامه مبارزاتی طبقه کارگر و متحد کردن صفوف پراکنده جنبش کارگری ضروری است. در کنگره سراسری نمایندگان شوراهای کارگری، مسائل و مشکلات بخش های مختلف جنبش کارگری باید بطور گسترده و همه جانبه به بحث گذاشته شود. برگزاری کنگره سراسری نمایندگان شوراهای کارگری، زمینه را برای اتحاد سراسری شوراهای شورای سراسری کارگران فراهم می کند و طبقه کارگر را به سازمان سراسری مبارزاتی خود مسلح خواهد کرد.

۱۰ - افزایش دستمزدها متناسب با افزایش هزینه زندگی: سرمایه داری جهت حل بحران خود بار اصلی این بحران را بر شانه طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان قرار می دهد. افزایش روزافزون هزینه زندگی به کاهش قدرت خرید طبقه کارگر و در نتیجه به کاهش سطح زندگی کارگران منجر می شود. طبقه کارگر نباید بار بحران سرمایه داری را بدوش بکشد. سرمایه داری مسئول بحران سرمایه داری است و سرمایه داران باید تحمل بحران نظام خود را برعهده بگیرند. اگر سرمایه داری قادر به جلوگیری از تورم و افزایش روزافزون هزینه زندگی نیست، خود نیز باید بهای افزایش هزینه زندگی را بپردازد. دستمزدها باید متناسب با افزایش هزینه زندگی افزایش پیدا کنند.

۱۱ - کاهش ساعات کار بدون کاهش سطح دستمزدها: افزایش روزافزون بیکاری هر روز توده های وسیع تری از طبقه کارگر را به صفوف قشر شهری پرتاب می کند. بیکاری گسترده به وسیله دزدان سرمایه داران جهت تفرقه افکنی در صفوف طبقه کارگر، جلوگیری از اتحاد طبقه کارگر، دامن زدن به رقابت میان کارگران و کاهش سطح دستمزدها تبدیل شده است. طبقه کارگر برای مقابله با تهاجمات سرمایه داری باید اتحاد صفوف خود را، اتحاد میان کارگران بیکار و شاغول را حفظ کند. مبارزه کارگران بیکار علیه بیکاری از مبارزه کسل طبقه کارگر علیه چشمانداز فقر و فلاکت عمومی که سرمایه داری در آن آنها می بیند جدا نیست. وحدت صفوف کارگران در این مبارزه ضروری است.

برای حل مشکل بیکاری، علاوه بر اجرای طرح های وسیع عمرانی که توسط دولت باید صورت بگیرد، کاهش

درباره شوره‌های کاری

کارخانه‌ها نیز تشکیل شوند، چنانچه منفرد باقی نمانند... نخواهند توانست آنچه‌ن که باید و شاید نقش موثری ایفا کنند... سرمایه‌داران بطور منفرد عمل نمی‌کنند... آنها از هزار طریق مختلف حیل‌ات خود به طبقه کارگر را هماهنگ می‌سازند... براساس منافع مشترک خود از قدرت خود بعنوان یک طبقه حفاظت می‌کنند.

دولت مدافع سرمایه‌داران نیروی متمرکزی است... شورای منفرد یک کارخانه توانایی مقابله با آن را ندارد... بنابراین در برابر نیروی متمرکز و سازمان یافته طبقات دارا و دولت آنها طبقه کارگر نیز باید در سطح سراسری خود را سازمان دهد و نیروی متمرکز و واحد کل طبقه را بحرکت درآورد... در غیر این صورت طبقات حاکم همواره می‌توانند مبارزات پراکنده و منفرد طبقه کارگر را بخش بخش سرکوب کنند.

بعلاوه، طبقه کارگر برای آنکه بتواند کنترل خود را بر تولید اعمال کند باید این کنترل را در سراسر اقتصاد در دست داشته باشد... باید بر دخل و خرج سرمایه‌داری در سراسر کشور نظارت کند و نحوه سرمایه‌گذاری را در تمام اقتصاد ملی تعیین کند.

در واقع در تحلیل نهایی، برای آنکه طبقه کارگر بتواند از آنچه این توده منافع خود در یک واحد کوچک تولید می‌کند دفاع کند باید حتی بر قدرت حکومتی کنترل داشته باشد... بدین ترتیب مبارزه طبقه کارگر برای ایجاد تشکیلات مستقل خود با ایجاد شورا، این واقعی در هر کارخانه بایستاد نمی‌یابد... این شوراها باید نامه مشخصی برای هماهنگی بساختن مبارزات شوراها می‌مکنند... و وحدت نهایی آنان در سطح کل کشور نیز داشته باشند... ایجاد شورای سراسری و واحد کارگری نیروی عظیم و مستقل طبقه کارگر را بر سراسر جامعه به حرکت درمی‌آورد و تحقق یافتن خواست های طبقه کارگر را ممکن می‌سازد.

در این رابطه نیز هرگونه سیاستی که سعی می‌کنند از ایجاد یک شورای متحد و سراسری جلوگیری کند و یا اینکه برای به بند کشیدن طبقه کارگر، از بالا و بطور بوروکراتیک سازمان های مصنوعی سراسری می‌سازد... مصرف سانسج طبقه کارگر نیست و هدفش جلوگیری از پیشرفت مبارزات کارگران است.

ایشین بسوی مجلس موسسان

حزبان آن همچگونه اعتمادی ندارند... اینها آرگانهای سرکوب زحمتکشان هستند... نه تنها دفاع از منافع زحمتکشان می‌گیرند آزادی طبقه کارگر تنها بدست خود کارکنان می‌تواند برآید... ولی اگر چنین است حکومت انقلابی مدافع منافع کارگران نیز باید بدست خود کارگران و زحمتکشان ساخته شود.

اگر انقلاب شکوهمند ایران تا کنون نتوانسته دولتی انقلابی را بسازد که پاسخگوی بحران‌ها و مشکلات همه جانبه یک جامعه انقلابی باشد... اگر هیچیک از مسائل مردم جاما سه هنوز دو سال بعد از قیام بهمن ماه حل نشده... بلکه شدت آنها افزوده شده است... علت اینست که زحمتکشان خود برنامه تشکیل یک حکومت واقعا انقلابی را نداشته و آن را بدست دیگران سپردند.

امروز زحمتکشان ما در مقابل انقلابی نوین قرار دارند... آن اشتباهات گذشته دیگر نباید تکرار شوند... زحمتکشان باید به برنامه بساختن یک دولت و حکومت انقلابی... و در گزین کردن انقلابی روابط اجتماعی بدستان خود مسلح شوند.

حامیان چماقداری...

ماموران کمیته‌های انقلاب... برچگونگی نظم... نظارت داشتند... و چنانچه شخصی قصد اخیال خشونت و آزار دیگران را داشت دستگیر می‌کردند.

آیا خبرنگار میزان واقعا در محل حادثه حضور داشت که بداند: اولاً تعداد شرکت کنندگان ۱۵۰ نفر بلکه چندین هزار نفر بوده، آنها هم در ساعت نه یعنی یک ساعت قبل از شروع تظاهرات می‌توان دید می‌زد اگر تظاهرات روال عادی خود را طی می‌کرد چند نفر در آن شرکت می‌کردند... کسانی که بر علیه تظاهر کنندگان در میبندان آزادی اجتماع کرده بودند... نه مردم بلکه همان چماق داران معروف بودند که با چماق و چاقو... پنجه بوکس و بازه آجر... بجان تظاهر کنندگان افتاده بودند... و ثالثاً پاسداران و کمیته‌ها... نه تنها در این میان بی طرف نبودند... بلکه به حمایت از چماقداران... بیان جمعیت رگبار بسته بودند!

می‌بینیم که حضرات "لیبرال" که در مجلس بر سر چماق داری هیاهو برآه انداخته اند... خود از حامیان چماقداری‌اند... و در پنهان کردن واقعیت زشت آن... با ارتجاع همصدا شده... و حتی از آنها هم فراتر رفتند... از این دورویی و وقاحت تنها یک نتیجه می‌توان گرفت... آنها اینک شعار حضرات اینست: چماق داری خوشت... بشرط آنکه علیه ما نباشد!

حاکمیت روحانیت حیر
حاکمیت مردم آری

شوراهای کارگری

و گوش باز بتوانند نظریات صحیح و برنامه های منطبق با منافع خود را تشخیص دهند و در تجربه و آزمایش عملی بسنجند ، کسانی که می خواهند در میان کارگران از آزادی بیان جلوگیری کنند ، نمایندگان و جاسوسان طبقات دارا هستند .

ثانیا شوراهای کارگری فقط هنگامی معرف منافع طبقه کارگر خواهند بود که واقعا منتخب کارگران باشند . شوراهایی که از طریق مداخله و نفوذ نیروهای دولتی و غیر کارگری (و خارج از کارخانه) ، در واقع انتصاب شده اند بدرد کارگران نخواهند خورد . باید از طریق مجامع کارگری که در محیط کارخانه تشکیل می شود و کلیه کارگران حق شرکت و اظهار نظر در آن را دارند . شورای منتخب کارگران از طریق انتخابات کاملاً آزاد و دموکراتیک تشکیل شود . کسانی که در میان کارگران از انتخابات آزاد شوراهای جلوگیری می کنند قصدی جز جلوگیری از تشکیل شوراهای واقعی ندارند .

اما ، حتی اگر شوراهای بطور دموکراتیک انتخاب شده باشند ، همواره خطر این هست که در اثر بی تجربگی نمایندگان منتخب و یا دوزوکلک های سرمایه داران و مدیران کارخانه ، شورا از مسیر واقعی خود خارج شود ، منافع کارگران را فراموش کند و حتی در مواردی با کارفرما و سرمایه داران سازش کند . بنابراین باید کارگران بطور دائم به عملکرد نمایندگان منتخب خود نظارت کنند و به محض آنکه نشانه هایی از سازشکاری در آنان دیدند ، از طریق تشکیل مجدد مجمع کارگران آنها را عزل کنند و بجای آنها نمایندگان دیگری را انتخاب کنند .

ثالثا تشکیلات کارگری برای مبارزه ساخته شده اند . هدف از تشکیل شدن فقط متشکل شدن نیست . برای مبارزه ، بسیاری برای دفاع از خواست های طبقه کارگر و برای مقاومت در مقابل حملات سرمایه داران و دولت حامی آنان ، طبقه کارگر نیازمند تشکیلات متکی بر وحدت خود است . بنابراین شوراهای پایبند بر اساس یک برنامه مبارزه انتخاب شوند . نمایندگان واقعی کارگران کسانی هستند که برنامه عمل مشخصی برای مبارزه دارند و برنامه خود را برای کارگران مطرح می کنند .

این که فلان کارگر شخص یا ایمانی است ، فلان روحانیو محترم از او حمایت می کند کافی نیست . باید کارگران از او بخواهند که برنامه اش را برای دفاع از منافع کارگران توضیح دهد ؟ آیا او از استقلال طبقه کارگر دفاع خواهد کرد ؟ آیا او خواهان استحکام وحدت کارگران است ؟ او در ارتباط با خواست های کارگران چه خواهد کرد ؟ و غیره و غیره

کارگران باید برنامه های مختلف کاندیداهای مختلف را به بحث بگذارند و براساس اینکه کدام برنامه را بهترین برنامه برای دفاع از خواست های خود تشخیص می دهند ، اشخاص مدافع آن برنامه را انتخاب کنند . و به گفته آنها نیز اکتفا نکرده عملکردشان را دنبال کنند .

ضرورت وحدت شوراهای سراسر کشور

شوراهای واقعی و مدافع منافع کارگران اگر در تمام

بقیه در صفحه ۱۴

آنان را بردوش خود تحمل می کنند و تزلزل دولت در مقابله با آنان را تجربه کرده اند ، بخوبی می دانند که چرا باید در مبارزات ضد امپریالیستی نقش مستقل خود را ایفا کنند و خواست های مستقل خود را مطرح سازند .

کارگرانی که به ضرورت آزادی های سیاسی و مدنی برای متشکل ساختن و دفاع از حقوق خود پی برده اند بخوبی می دانند که چرا باید در مقابل هرگونه حمله دولت سرمایه داری به حقوق دموکراتیک مقاومت کنند و مبارزات مستقل خود را سازمان دهند .

کارگران تجربه کرده اند که باید اضافه بر مبارزه با سرمایه دار در سطح تولید ، در سطح سیاست نیز مداخله کرد و خواست های مستقل زحمتکشان را مطرح ساخت . شورا های کارگری می توانند و می باید ، بمثابه سخنگویان طبقه کارگر ، در برابر نیروی سیاسی طبقات دارا و زنه مقابل نیروی سیاسی طبقه کارگر قرار دهند .

کسانی که به بهانه های گوناگون خواهان جلوگیری کردن از دخالت مستقل طبقه کارگر و شوراهای کارگری در صحنه سیاست هستند در واقع فقط منافع سرمایه داران و دلالان امپریالیزم را بیان می کنند .

شوراهای واقعی کارگری

برای آنکه شوراهای کارگری بتوانند دو وظیفه اساسی فوق را انجام دهند باید خصوصیات ویژه ای داشته باشند اولاً واضح است که ، آهای کارگری در هر کارخانه فقط هنگامی خواهند توانست از افق طبقه کارگر دفاع کنند که نیرومند باشند . تنها نیروی طبقه کارگر وحدت اوست . بنابراین شوراهای کارگری باید به نحوی ، اخته شوند که توده وسیع کارگران را درون خود متحد و متشکل سازند .

هرگونه برنامه های تفرقه گرایانه ای که به بهانه مذهب ، عقیده ، جنس ، ملیت و غیره از وحدت طبقه کارگر جلوگیری کند و بخشی از کارگران را علیه بخشی دیگر متشکل سازد ، بر خلاف منافع طبقه کارگر است و هدفی جز تخریب مبارزات مستقل کارگران را دنبال نمی کند .

ساختن شوراهای " اسلامی " که باعث حذف کارگران غیرمسلمان گردد و یا ساختن شوراهای وابسته به گروه های خاص سیاسی که باعث حذف سایر کارگران گردد ، و شیوه هایی از این قبیل ، در صفوف طبقه کارگر انشعاب ایجاد می کنند و فقط در خدمت سرمایه داران و دولت مدافع آنان خواهد بود . طبقه کارگر برای اینکه بتواند با این سیاست های افتراقی ، که از جانب سخنگویان سرمایه داری مطرح می شوند مقابله کند باید شوراهای خود را موظف به مبارزه برای آزادی عقیده ، آزادی مذهب ، تساوی کامل زن و مرد ، و رسمیت شناختن حقوق ملی کلیه ملیت های مستعبد سازد .

برای پیشبرد مبارزه مشترک طبقه کارگر ، باید همه نظریات و عقاید آزادانه به بحث گذاشته شود تا کارگران با چشم

درباره شوراهای کارگری

در همه کارخانه‌ها صحبت از ساختن شوراهاست. همه جا در بین کارگران مسأله ضرورت شوراهای، اهداف و وظایف آنها مورد بحث است. در اغلب کارخانه‌ها شوراهای ساخته شده‌اند و در برخی دیگر اقدام به ایجاد آنها آغاز شده است. درباره بسیاری از شوراهایی که بنقد ساخته شده‌اند هنوز بحث ادامه دارد و در پرتو تجربه مبارزه ضرورت ایجاد تغییراتی در آنها احساس می‌گردد. وظیفه هر کارگر آگاه و مبارز است که به این مسأله آشنایی کامل داشته باشد و بداند که چگونه می‌باید در امر ساختن شوراهای خود مداخله کند.

را در دست بگیرند. در صنایعی که مالکیت آنها دولتی است نیز وضع بر همین منوال است. از آنجا که دولت در خدمت سرمایه داران است، در آن واحدهای تولیدی که از سرمایه دارانش خلق پیدا شده و یا اینکه از اول واحدهای دولتی بوده‌اند نیز مدیران و کارفرمایان منتخب دولت با کارگران همان کار را می‌کنند که سرمایه داران در دیگر واحدها انجام می‌دهند.

بنابراین، شوراهای کارخانه می‌باید در هر واحد تولیدی، در برابر نیروی سرمایه داران و دولت مدافع آنان نیروی مستقل کارگران را سازمان داده و به زورگویی های اربابان صنعت خاتمه دهند.

این شوراهای می‌باید کنترل بر تولید را بردست گیرند و درباره کلیه امور مربوط به استخدام و اخراج، سازماندهی تولید و محیط کار، دفاتر و دخل و خرج شرکت، نحوه سرمایه گذاری های جدید، و غیره بر اساس منافع کارگران تصمیم بگیرند و با اتکا به نیروی متحد کارگران این تصمیمات را بر سرمایه داران، مدیران و کارفرمایان واجب الاجرا سازند.

شورا: ابزار مبارزه سیاسی

دومین جنبه از اهمیت شوراهای کارگری به ضرورت مداخله مستقل کارگران در سیاست کشور ارتباط دارد. هر کارگری که بر علیه ظلم و استثمار مبارزه کرده باشد می‌داند که سرمایه دار و کارفرمایی که بر او در کارخانه زور می‌گوید در جامعه تنها نیست و از پشتیبانی دستگاه عریض و طویل دولتی - ارتش، پلیس، نیروهای به اصطلاح امنیتی، دادگاه‌ها، و قوانین گوناگون ضد کارگری، و غیره - برخوردار است.

حتی در دولت‌هایی که به ظاهر اعلام پشتیبانی از کارگران و زحمتکشان می‌کنند نیز وضع همینطور است. سرمایه داران و اربابان صنایع، بخاطر پول، ثروت و نفوذی که دارند همیشه از هزاران هزار راه متفاوت به کسانی که بر مسند قدرت تکیه زده‌اند، دسترسی دارند. در همه جا، در رده های بالای دولت دوست و آشنا دارند و می‌توانند از طرق مختلف سیاست‌ها و برنامه های دولت را بر اساس منافع خود تنظیم کنند. در جمهوری اسلامی نیز این قاعده کلی به قوت خود باقیست. بویژه آنکه سردمداران حکومت جدید نیز مدافع و حامی نظام سرمایه داری هستند.

کارگرانی که عملکرد قوانین کار ضد کارگری را تجربه کرده‌اند بخوبی می‌دانند که چرا باید در سطح سیاست کشور و در مقابله با دولت نیز خود را متشکل سازند و مبارزه کنند. کارگرانی که فشار فلاکت بار امپریالیسم و دلالت داخلی بقیه در پشت صحنه

شورای ابزار مبارزه در کارخانه

در درجه نخست ضرورت ساختن شوراهای کارگری از ضرورت متشکل شدن کارگران در سطح تولید ناشی می‌شود. هر کارگری که ظلم و استثماری را که بر او تحمیل می‌گردد احساس کرده باشد به ضرورت داشتن تشکیلات مستقل برای دفاع از حقوق خود پی برده است. هیچ سرمایه داری حاضر نخواهد بود که بخودی خود حقوق حق کارگران را رعایت کند. بدون داشتن تشکیلات مستقلی که نیروی پراکنده کارگران را متشکل و متحد سازد، کارگران قادر نخواهند بود که اربابان صنعت را مجبور به کاری بکنند.

سرمایه داران مالکین کارخانه هستند. آنها به کارگران که برای امرار معاش ناچار به کار کردن هستند همواره زورگویی خواهند کرد. برای مقابله با دیکتاتوری سرمایه داران باید کارگران متشکل شوند. کارگر تنها قادر نیست در برابر حملات و زورگویی های اربابان صنعت مقاومت کند.

سرمایه دار سودجو مطابق میل خود کارگران را اخراج خواهد کرد و برای بهبود شرایط کار و تضمین امنیت جانی کارگران خرجی متحمل نخواهد شد. چنانچه کارگران متشکل باشند و به صورت نیروی واحد سخن بگویند می‌توانند از این گونه اعمال سرمایه داران جلوگیری کنند.

سرمایه دار مفتخور بر اساس منافع خود سودهای حاصل از دسترنج کارگران را در هزاران راه مختلف بجز راهی که بیفک کارگران باشد، بکار خواهند انداخت. چنانچه کارگران متشکل باشند می‌توانند بر حساب دخل و خرج کارخانه نظارت کنند و نحوه استفاده از سودهای حاصل از کار خود را تعیین کنند.

سرمایه دار زورگو بنحوی محیط کار را سازمان خواهد داد که بتواند حد اکثر کار را از کارگران بکشد و حداکثر استفاده را ببرد. او توجهی به مسائل ایمنی، به مسایلی بهداشتی و نحوه صحیح سازماندهی تولید نخواهد کرد. چنانچه کارگران متشکل باشند می‌توانند خود کنترل بر تولید